

سر نوشت ۱۰ دزد گریبان و خندان

گروه حوادث: ۱۰ دزد که از سوی پلیس بازداشت شده‌اند به جزئیات چگونگی ورود به دنیای تبهکاران پرداختند. برخی می‌خندیدند و بعضی گریه می‌کردند. همه دلایلی داشتند که سعی می‌کردند دزدی‌هایشان را توجیه کنند.

- هدیه شوم پدر**

پدرم مردی معناد است و مادرم که از دست کارهای او خسته شده بود در سال ۷۲ تلافی را گرفت و دنبال زندگی خودش رفت.متأسفانه حضانت من بیچاره به پدرم سپرده شد و در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ فقر و بدبختی را چشیدم. مدتی در یک تعمیرگاه مشغول کار شدم. پدرم به خاطر اینکه بتواند پول‌هایم را از دستم دربیاورد و با این تفکر غلط که اگر من همدردش باشم هیچ‌وقت او را ترک نخواهم کرد مرا به دام مواد مخدر انداخت.

- باز اعتیاد پدر**

اعتیاد شدید پدرم به مواد مخدر آینده ۲ خواهر بی‌گناهم را خراب کرد و من نیز نقره‌داغ شدم. جوان ۱۹ ساله که به اتهام سرقت موتورسیکلت دستگیر شده است، گفت: ۱۰ سالگی غیرتم گل کرد و به هم خاطر اینکه خودم را از بدبختی و فقر نجات بدهم، مدتی در یک تعمیرگاه مشغول کردم و به عنوان دستفروش مشغول کار شدم. من در کمتر از یک هفته به ۲۱ جوان غریبه که مثل خودم در کنار خیابان بساط می‌کردند رفیق شدم. تصمیم گرفتم پولدار بشوم و با نقشه‌ای که دوستم کشید دست به سرقت موتورسیکلت‌زدم.

- زن سارق**

زن ۱۹ ساله که اهل یکی از شهرهای شمالی کشور است و به اتهام کوشوزنی دستگیر شده است، گفت:۶ساله بودم که پدرم فوت کرد و پس از گذشت ۳ سال مادرم عروس شد. متأسفانه ناپدری‌ام که به مواد مخدر اعتیاد دارد مرا با نگاه سیطانی خود رنج می‌داد و می‌ترسیدم حتی یک لحظه با او در خانه تنها باشم، به همین خاطر سرزناسازگاری گذاشتم. من به ناچار به خانه مادر بزرگ پیروم رفتم و در آنجا به‌خاطر نبود کنترل لازم، با زن همسایه که زنی فاسد و معتاد بود رفتم و آمد برقرار کردم. او در مدت کوتاهی مرا به دام مواد مخدر انداخت و سپس پیشنهاد سرقت داد!

- دزد دانشجو**

جوان دانشجو در بیان داستان زندگی‌اش گفت: پدرم چند سال پیش بازنشسته شد. او مردی پرتوقع و زودرنج است و همیشه با ناله و فغان از دوره و زمانه می‌نالد و زیاده‌خواهی او اعصاب همه را توی خانه به هم می‌ریزد. از یک کل سال قبل برای قرار از جوان‌نارام خانه و حرف‌های تکراری پدرم، به گروه دوستانه‌ی پناه بردم که مرا به دام مواد مخدر انداختند. متأسفانه در این شرایط ناپسامن، از طریق یکی از دوستانم با نحوه سرقت لوازم داخل خودرو آشناشدم.

- دزدی به خاطر عشق**

پسر جوان دستی به موهای فشن و سیخ‌سیخی خود کشید و گفت:وضع مالی پدرم خیلی خوب است ولی ما همیشه با هم مشکل داریم چون انتظار داشتیم برایم یک خودروی مدل بالا بخرند و مرا جلوی دختری که دوستم دارم برسرآغاز کنند. در این‌کته فقط بگویم،بی‌عرضه مفت‌خورا من که از سربازی هم معاف شده‌ام تنها به خاطر اینکه به پدرم ثابت کنم تنبل و خنگ نیستم و چون می‌خواستم حالش را بگیرم و از همه مهم‌تر به خاطر دوست دخترم که از زرو دارم زندگی مرفهی در آینده برایش درست کنم دست به سرقت زدم.

- دختر سارق**

افسانه ۲۳ سال دارد و پدر و مادرش از یکدیگر جدا شده‌اند. او همراه مادر خود به مشهد آمده است و در یک میهمانپذیر مشغول کار شده‌اند. متأسفانه گرفتاری‌های مادر افسانه و بی‌توجهی به مسائل تربیتی موجب شد او در محل کار خود با مردی شیطان‌صفت ارتباط مخفیانه برقرار کند. دختر جوان از طریق این مرد ابتدا به دام مواد مخدر افتاده است و سپس همراه او دست به سرقت با معازره‌ها و همچنین اموال مسافران می‌زد که با اعلام شکایت یکی از شهروندان دستگیر شده است.

- ازدواج اشتباهی**

کیوان جوان ۲۶ ساله‌ای است که به کریستال اعتیاد دارد. او با دختری که مورد پسند مادرش بوده، ازدواج کرده است. داماد جوان در کمتر از ۴ ماه از خانه پدر همسر، باجنای و کارات علیر بانک مادرزش سرقت کرده است و از آخرین مورد، شبی که برای میهمانی به خانه خواهر همسرش رفته، طلاجات صاحبخانه را نیز توی جیبش گذاشته و مرتکب سرقت شده است.

- عشق‌پستی**

جوان ۲۳ ساله می‌گوید: من گچکار هستم در آمد خوبی دارم اما سر چه در می‌آورم خود مخراد مخدر می‌شود. امروز دانشیم با موتورسیکلت دور می‌زیم که همسرم گفت، هوس پستی کردم، به او گفتم،آ ماده‌باش تا مثل همیشه سرقت کنیم. ما با سرعت به زن جوانی که در کنار خیابان قدم می‌زد نزدیک شدیم و نامزد کیف دستی او را قاپید و قصد فرار داشتیم که ناگهان کنترل موتورسیکلت از دستم خارج شد و با یک خودروی پژو ۲۰۶ تصادف کردم و به این ترتیب به دام افتادم.

- شوخی با دزدی**

پسر جوان که به اتهام زورگیری به همراه ۳ تن دیگر از دوستانش دستگیر شده است، گفت: من از کلاس دوم راهنمایی درک تحصیل کردم و در مغازه تجاری خود مشغول کار شدم. متأسفانه دایی جواد که آدم رفیق‌بازی است مرا در مدت کوتاهی به دام مواد مخدر انداخت. اما شوخی شوخی سارق زورگیر شدم. یک‌روز نزدیک غروب در کوچه‌ای خلوت مردی را دیدم که با گوشی تلفن همراهم گرافیمتی مشغول صحبت کردن است. یکی از دوستانم گفت، بیایید گوشی او را سرقت کنیم. ما راه این مرد را که از ترس به لکنت زبان افتاده بود سد کردیم و با تهدید چاقو و توسل به زور، گوشی تلفن همراه و مبلغ ۸۰ هزار تومان وجه نقدش را گرفتیم.

- اعتیادهمه‌کاره**

پسر جوان لشک‌هایش را پاک کرد و گفت: به خدا این نخستین‌باری است که کیف‌قاپی کرده‌ام. من اعتراف می‌کنم که مثل پدرم به سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر اعتیاد دارم ولی دزد نیستم. منم ۱۹ ساله افروند: هر چه بدبختی می‌کنم از دست پدرم است. او با رفیق‌بازی حریم خانه ما را شکست و الگوی خوبی برایم نبود. متأسفانه از ۱۴ سالگی دوست دختر داشتم، سیگار می‌کشیدم…

۱۴

وطن امروز ۳۴۴ شماره ۴۲۴

پلیس آگاهی تهران با دستگیری این گروه مسلح فاش کرد

گروه حوادث: پسرخاله‌های ششاول‌بند پایتخت که به مطب پزشکی دستپرد مسلحانه زده بودند با ردیابی‌های پلیسی به دام افتادند.
این دزدان مسلح در تماس با پزشک می‌خواستند در ازای ۵ میلیون تومان مدارک سرقتی را پس بدهند غافل از اینکه پلیس با ردیابی‌های علمی خود را به پشت دیوار خانه‌شان رسانده است.
ساعت ۱۹ غروب ۱۰ اسفندماه سال ۲۸ مرد مسلح با حمله به مطب پزشکی در سعادت‌آباد به ۳ میلیون تومان پول، چندین لپ‌تاپ و گوشی موبایل به همراه مدارک شناسایی پزشک دستپرد زنده و گریختند.
وقتی مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب به تحقیقات میدانی دست زدند، ردیابی دزدان مسلح با دستور دادیار روانفران از شعبه ۴ داسرای امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان اداره یکم قرار گرفت و آنان با اعزام به محل سرقت مسلحانه موفق به شناسایی یک مغازه طلافروشی در فاصله کمی از مجتمع تجاری‌ای شدند که مطب پزشک در طبقه دوم آن قرار داشت.
دوربین مداربسته این طلافروشی تحت بازبینی قرار گرفت و همزمان دوربین‌های یک شعبه بانک نیز در نظر گرفته شد تا اینکه کارآگاهان دیدند ۲ دزد مسلح با همراهی دو نفر تجاری خود را به پیکان سفیدرنگی رسانده و سوار بر آن به خارج دیگر همدستانشان که پشت فرمان بود، گریخته‌اند.
شماره خودروی پیکان برای شناسایی صاحبش در اختیار تیم فنی پلیس آگاهی گذاشته شد و همزمان با ردیابی صاحب پیکان که «کوروش» نام دارد و خانه‌اش در ۲۰ متری افسریه است کارآگاهان شنیدند یکی از دزدان در تماس با پزشک خواسته تا در ازای مدارک شناسایی سرقتی ۵ میلیون تومان بگیرد. هنوز این دزد سر قرار نرفته بود که روز ۱۰ اردیبهشت‌ماه سال جاری مأموران خود را به پشت دیوار خانه کوروش رساندند و با دستگیری وی در بازرسی از خودرویش چند لپ‌تاپ سرقتی را پیدا کردند.

بازداشت دزدان ۱۳۰ خودرو در کرج

اعضای باند دزدان حرفه‌ای خودرو که ۱۳۰ سرقت در کرج داشته‌اند مهارت در تپهکاری را از پدرانشان به ارث برده بودند.

«سرهنگ اسماعیل هادئی، رئیس پلیس آگاهی استان تهران در تشریح جزئیات این خبر گفت: در پی افزایش وقوع سرقت خودروی پراید در کرج، شناسایی دزدان با تشکیل چند تیم ویژه در دستور کار قرار گرفت.

وی تصریح کرد: شگرد دزدان در سرقت خودروها و همچنین انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی و تشدید گشت‌های نامحسوس سرخ‌های اولیه از اعضای این باند را به دست پلیس داد.

سرهنگ هادئی افزود : با اجرای طرح مبارزه با دزدان خودرو در کرج، سرانجام ۳ تن از دزدان در حالی که قصد داشتند به طور همزمان ۲ دستگاه خودروی پراید را در یک محله خلوت به سرقت ببرند، شناسایی و دستگیر شدند.

با دستگیری «ارش» و «ناصر» و بازجویی از آنها، مخفیگاه سردرسته این باند به نام «فردیون» که از طایفه فیوج است، شناسایی و در یک غلغلیگریه دستگیر شد.

فردیون پس از دستگیری به ۱۰۰ سرقت خودروی پراید و ۳۰ سرقت لوازم داخل خودرو اعتراف کرد و گفت: روش‌های سرقت و جرائم دیگر را از پدرم و وی نیز از اجداد خود به ارث برده است به گونه‌ای که در بین طایفه ما کسی اعتبار دارد که به روش‌ها و شگردهای بیشتری در سرقت، کلاهبرداری و جعل آگاه است.

حوادث

حمله پسرخاله‌های ششاول بند به مطب پزشکی



کوروش ابتدا سعی داشت با ادعاهای گمراه‌کننده خود را بی‌اطلاع از سرقت نشان دهد. اما راپانه‌های دستی به سرقت رفته از مطب پزشکی مهر سکوت وی را شکست و مرد جوان بدبخت خودرویش را در اختیار دزدان مسلح قرار داد.
است.

- پسرخاله‌های ششاول بند**

تحقیقات نشان داد ۲ برادر کوروش با نام‌های «کیانوش» و «رضا» به همراه ۲ پسرخاله‌شان که «جعفر» و «منوچهر» نام دارند در این سرقت مسلحانه

مهدی قالیاق اعدام سردرسته باند مخوف در یافت‌آباد بود

برای ابلیس پارک قائم

گروه حوادث: **شورر سرشناس یافت‌آباد که به بهانه خواستگاری دختری راه خلوتگاه شیطنی‌اش کشانده بوده به مجازات سنگین اعدام محکوم شد.**

مهدی قالیاق گروه شیطنی‌اش را در پارک قائم تشکیل داده و با قمه و قداره به مزاحمت‌های خیابانی می‌پرداخت و با خیالی آسوده از رهگذران باج می‌گرفت. مدت‌های زیادی بود بوستان قائم باتوق گروهی از اشترار شده بود که به خفت‌گیری از زنان و مردان این منطقه دست می‌زدند. مزاحمت‌های این گروه خطرناک روز به روز بیشتر می‌شد تا اینکه ساکنان محله به تنگ آمده و تصمیم گرفتند محرمانه به طرح شکایت بپردازند. وقتی ۱۲ زن و مرد در ۱۸ فروردین سال‌های جاری به دادسرای مطهری مراجعه کردند هنوز ترس در چهره‌شان دیده می‌شد تا اینکه پیش روی بازپرس غلامی قرار گرفتند و یکی به نمایندگی از دیگر همسایه‌ها جزئیات نام‌آلی‌های محله‌شان را بازگو کرد.

این مرد گفت: مدت‌هاست در بوستان قائم یافت‌آباد مردان خشنی رفت و آمد می‌کنند که آسایش را از محله گرفته‌اند. این ارزان و لوپاش با خفت‌گیری‌های شتابان و اخاذی از زنان و بچه‌هایمان محله را باتوق مانورهای تبهکارانه‌شان کرده‌اند. این مرد ادامه داد: اعضای این باند زورگیر در بوستان قائم برای خانواده‌ها ایجاد رعب و وحشت می‌کنند. با ادعاهای این مرد پرورنده وارد مرحله تازهای شد و تجسس‌ها برای ردیابی اعضای این باند

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۹

دست داشته‌اند.

کوروش در اعترافاتش گفت: خودرویم در اختیار کیانوش، رضا و جعفر بود و اسلحه‌ها را پسرخاله دیگرم به نام منوچهر از مرز خریده است. من اطلاعی از سرقت نداشتم، وقتی این کار را انجام دادند به من نیز سهم رسید. چند باری برای فروش لپ‌تاپ‌ها به مغازه‌ها و مراکز خرید و فروش رایانه رفتم اما چون کلزنت لپ‌تاپ‌ها را نداشتم کسی آنها را از من نخرید. مشکلات مالی زیادی داشتم و می‌خواستم لپ‌تاپ‌ها را به قیمت روز بفروشم به همین خاطر قصد نداشتم ارزان‌فروشی کنم تا اینکه دستگیر شدم.

کارآگاهان که توانسته بودند پسرخاله‌های ششاول‌بند را شناسایی کنند با راهنمایی‌های کوروش، ابتدا منوچهر را روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه سال جاری در حوالی میدان شوش به دام انداختند که با اعترافات مشابه وی هنوز ۲۴ ساعت نگذشته بود که کیانوش را در مخفیگاهش واقع در شهرک ناز شناسایی کردند. وی که با دیدن مأموران قصد فرار داشت با شلیک پلیس چاره‌ای جز تسلیم ندید. کیانوش در بازجویی‌ها گفت: من، برادرم و جعفر با خودروی پیکان برادر دیگرم به سرقت از مطب دست زدیم، وقتی قرار شد پول و لپ‌تاپ‌ها را تقسیم کنیم اختلاف پیدا کرده و با هم درگیر شدیم. رضا و جعفر همه پول‌ها را برداشتند و تنها لپ‌تاپ‌ها و موبایل‌ها به ما رسید. وی افزود: من هیچ پولی نداشتم و چون با خریدن یک خودروی اسقاطی زیر بار قرض رفته بودم، تصمیم گرفتم با پزشک تماس بگیرم که در ازای مدارک ۵ میلیون تومان به من بدهد اما هنوز قرار نگذاشته بودم که بازداشت شدم. بنا به گزارش خبرنگار جنایی «وطن امروز»، رضا و جعفر که با هم پول‌ها را تقسیم کرده‌اند، مشخص شد آنان با اطلاع از بازداشت همدستانشان گریخته‌اند.

پلیس در حال تحقیق برای ردیابی این ۲ پسرخاله فراری است تا پرده از دیگر اقدامات مجرمانه و مسلحانه آنان بردارد.



مخوف آغاز شد که نشان داد اعضای این شبکه با ربون رهگذران و کشاندن آنان به منطقه‌های خلوت به زورگیری‌های خشن دست می‌زنند. در این شاخه وقتی اقدامات اطلاعاتی مشخص کرد تپهکاری‌های این گروه از مردان خطرناک با سرکردگی مهدی قالیاق باعث وحشت مردم شده است مأموران با تحقیقات سری اعضای این باند و مخفیگاهشان را زیر نظر گرفتند

و چند روز پس از شکایت مردم در یک عملیات با هجوم به باتوق زورگیران، مردان خشن را بازداشت کردند. این مردان بلافاصله تحت بازجویی قرار گرفتند و مشخص شد مهدی قالیاق با همدستی ۳ شورر دیگر با چاقو و قمه به شکار طمع‌های خود در بوستان قائم یافت‌آباد می‌پرداختند. تحقیقات از این مجرمان نشان می‌داد با وجود ادعاهای گمراه‌کننده، آنان جرائم بسیار زیادی در قالب شبکه زورگیری انجام داده‌اند و کلکسیون‌ای از تپهکاری‌ها را در پرورنده خود دارند. در حالی که پرورنده این اشترار خشن پیش روی بازپرس غلامی از شعبه۷ بازپرسی قرار داشت ادعای دیگری مطرح شد که نشان می‌داد مهدی قالیاق به بهانه خواستگاری، دختر جوانی

هستند. از سوی دیگر، پلیس به اقدامات اطلاعاتی و ردیابی‌های مخفیانری دست زده و بی برد ۳ آدمکش پس از جنایت و تا پیش از دستگیری مدام با موبایل و تلفن خشیار، تماس داشته‌اند و با توجه به ادعای خودشان می‌خواستند پول و مزه خود را دریافت کرده و سریع به افغانستان فرار کنند.

- انگیزه‌کینه‌جویانه**

خشایار بازداشت شد ولی از همان ابتدا دخالت در قتل خاله و شوهر‌خاله‌اش را انذیرپرتف و ادعای ۳ افغان را یک باپوش دانست. این مرد حتی در مواجهه حضوری با ۳ آدمکش با خون‌سردی خاص ادعا کرد که آن‌ها دروغ می‌گویند و بی‌توجه به مدارک علمی پلیس اصرار کرد تماس‌های افغان‌ها با وی بعد از جنایت را یک مزاحمت می‌دانسته و متحا کسی چنین توطئه و باپوشی را طراحی کرده تا از وی انتقام بگیرد. این سکوت که ۳۱ روز طول کشیده است در حالی بوده که تجسس‌ها نشان می‌دهد خشایار، نفرت خاصی از شوهر‌خاله‌اش داشته و این سناریو از اختلاف بر سر چاه آب کلید خورده است.

- بچه‌پرورشگاهی**

کار آگاهان بی‌بره‌اند که به خاطر هججوار بودن مزرعه خشایار و زوج پولدار مدتی پیش آنان بر سرس چاه آب با هم اختلاف پیدا کرده‌اند و زین‌العابدین، در اوج عصبانیت کنترل خود را از دست داده و به خشایار گفته که یک بچه پرورشگاهی است و… بعد از این درگیری که تأثیر زیادی بر روحیه خشایار گذاشته و وی یک آشنای نزدیک به‌زین‌العابدین و کیاندرخت برداشت. افغان‌های جنایتکار ادعا کردند از سوی «خشایار» که خواهرزاده کیاندرخت است اجیر شده‌اند تا در ازای در یافت پول زیادی این زن و مرد را به قتل برسانند و چون هنوز پولی نگرفته بودند ایران را ترک نکرد و در دامغان منتظر بودند. این ۳ آدمکش که به پوئین‌زهر انتقال داده شده بودند جزئیات قتل را مطابق با صحنه مرگ زن و مرد پولدار فاتی کردند که نشان می‌داد آنان همان جنایتکاران تحت تعقیب

و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.



سقوط دلهره‌آور دکل مخابراتی یک برج

سقوط دکل مخابراتی ۴۲ متری نصب شده در پشت‌بام یک برج در غرب تهران آتش‌نشنان را به محل حادثه کشاند. بنابر این گزارش، وقوع این حادثه شامگاه شنبه به ۱۲۵ اعلام شد و ستاد فرماندهی آتش‌نشانی ساعت ۱۸:۴۳ شنبه آتش‌نشنان ایستگاه‌های ۲۴.۰۷ و ۸ را به محل حادثه در ابتدای خیابان آیت‌الله کاشانی فرستاد. سید تقی رضوانی، مدیر منطقه ۴ عملیات آتش‌نشانی تهران گفت: وزش شدید باد و توفان و لرزش دکل مخابراتی مربوط به سیستم اینترنت روی بام ساختمان ۱۳طبقه موجب شد که ناگهان بر اثر شکستن اتصالات نگهدارنده و پاره شدن سیم بکسل، دکل شکسته و روی بام ساختمان معلق بماند. وی افزود: آتش‌نشنان ابتدا باکشیدن نوار خطر همه کسانی که از آنجا تردد داشتند را دور و پس از ایمن‌سازی محیط، با استفاده از ابزارهای ویژه تیغور و طناب ابریشمی اقدام به مهار دکل معلق کردند و سپس آن را به قطعات کوچک تبدیل کردند و به پایین ساختمان انتقال دادند.

حادثه‌ها

۲برادر: دزدان شبانه محله

گروه حوادث: ۲ برادر شیشه‌ای که به سرقت‌های شبانه از داخل خودروهای محله‌شان دست می‌زدند، بازداشت شدند.

پلیس با بررسی‌های محلی و میدانی خیلی زود دزدان شبه‌های جنوب‌شرق پایتخت را

ردیابی کرد. روز دوم خردادماه سال‌جاری، مردی با مراجعه به کلانتری ۱۱۴ غیابی ادعا کرد خودرویش در خیابان پارک بوده که شبانه مورد دستبرد

قرار گرفته و ضبط آن را نزدیده‌اند. مأموران کلانتری با همان تحقیقات محلی و میدانی بی‌برند که ۲ برادر ۲۸ و ۲۵ ساله به نام‌های «محمود» و «داوود» که به شیشه اعتیاد دارند برادر دیده شده‌اند که شبانه اطراف خودروها پرسه می‌زنند. بدین ترتیب با دستور دادیار فراخ‌کرا از شعبه اول دادسرای ناحیه ۱۴ تهران تیمی از مأموران پایگاه ۶ پلیس آگاهی وارد عمل شدند و با بی‌بردن به اینکه ۲ برادر از سوی همسایه‌ها مزاحم و دزد محله شناخته شده‌اند آنان را بازداشت کردند.

داوود و محمود اعتراف کردند در حوالی میدان خراسان و در خیابان‌های ۱۷ شهروپر، خلوان، اتابک و منصور شبانه خودروهایی را که تجهیزات امنیتی و دزدگیر نداشته شناسایی کرده و با سرقت ضبط و فروش آن هزینه خرید شیشه و کراک خود را تأمین می‌کردند. بنا به گزارش خبرنگار جنایی «وطن‌امروز»، کسانی که در این محدوده جغرافیایی خودروهایشان مورد دستبرد قرار گرفته است می‌توانند با شماره تلفن ۲۳۰۰۹۶۲ تماس بگیرند.

♦♦♦

یک قلاذه شیر در خودروی مرد جوان

مردی با یک قلاذه شیر قاچاق که داخل خودرویش جاسازی کرده بود در گیلان بازداشت شد.

به گزارش پلیس، مأموران پلیس رشت در کنترل و بررسی موارد مشکوک به یک دستگاه خودروی وِلت‌پیکان به رانندگی مردی ۳۲ ساله به نام «مجتبی» مشکوک شده و خودروی وی را متوقف کردند.

بر پایه این گزارش، مأموران در بازرسی از این خودرو یک قلاذه شیر وحشی که به صورت قاچاق حمل می‌شد را مشاهده و متهم را جهت تحقیقات بیشتر به پلیس انتقال دادند. متهم در تحقیقات اولیه به آوردن قاچاقی این حیوان به استان اعتراف کرد و گفت این قلاذه شیر را ۲ با شترمرغ در نزدقل عوض کرده است.

صندلی خالی

شوهر قد کوتاه نمی‌خواهم

زنی در حضور قاضی دادگاه گفت که شوهرش بسیار قد کوتاه است و او فقط یک ماه کوتاهست این موضوع را تحمل کند و حالا طلاق می‌خواهد.

زنی ۲۴ ساله با مراجعه به دادگاه خانواده شهید محلاتی در حضور قاضی شعبه ۲۲۶ این مجتمع مدعی شده که می‌خواهد از شوهرش که قد بسیار کوتاهی دارد، جدا شود. وی ادامه داد: شوهرم قدش تنها ۱۰۵ سانتی‌متر است و من بسیار بلندتر از او هستم و بعد از ۲ هفته زندگی فکری می‌کردم مشکل ظاهری اصلاً مهم نیست و فقط تفاهم مهم است ولی حالا که انگشت‌نمای مردم و امیامل شده‌ام در تحمل این زندگی را ندارم و طلاق می‌خواهم. مرد ۲۸ ساله که در دادگاه حضور داشت، گفت: با حدود یک ماه است که ازدواج کرده‌ایم و همسرم دائم بهانه می‌گیرد: من چیزی را از او پنهان نکرده و مشکل ظاهری من عینی بوده است، وی بیان کرد: همسرم قدبلندی ندارد ولی در برابر من بلندتر است و این موضوع او را آزار می‌دهد و باید بدانم این مشکل مهم نیست. مرد گفت: من نمی‌خواهم از همسرم جدا شوم. من بشدت به او وابسته شده‌ام. همسرم باید ابتدای زندگی این موضوع را مدنظر قرار می‌داد که حالا که به سر زندگی رفته‌ایم، زن منصریح کرد: من نمی‌خواهم در کنارش باشم و او را دوست ندارم، شوهرم باید این موضوع را درک کند؛ از شوهرم می‌خواهم که مرا طلاق بدهد تا با آرامش زندگی کنم. مرد با خواهش زن این موضوع را قبول کرد و بیان کرد: به خاطر همسرم زندگی خود را خراب می‌کنم و از او جدا می‌شوم. قاضی رسیدگی‌کننده به این پرورنده، حکم طلاق را توافقی صادر کرد.

♦♦♦

طلاق از شوهر ایدزدی

زنی در حضور قاضی دادگاه مدعی شد که شوهرش بیماری‌ایزباد دارد و می‌خواهد هرچه زودتر از وی جدا شود. زنی ۲۷ ساله با مراجعه به دادگاه خانواده شهید محلاتی در حضور قاضی شعبه ۲۲۶ مدعی شد که شوهرش بیمار است و از این موضوع را بعد از آزمایشات خوننی که هر ماه می‌گرفتند، متوجه شده است. وی افزود: پس از حاضر شدن جواب آزمایشات مشخص شد شوهرم به ایذ مبتلاست ولی من سالم هستم؛ نمی‌دانم شوهرم چگونه به این بیماری جالمناسوز مبتلا شده است. وی ادامه داد: می‌خواهم قبل از اینکه من به این بیماری دچار شوم او جدا شده و با آرامش زندگی کنم و حالا حتی می‌ترسم که شوهرم را ببینم.

وکیل مرد در دادگاه حضور داشت و گفت: موکلم ۳۰ ساله است و ممکن است در آزمایشات اشتباهی رخ داده باشد و همسر موکلم اشتباه کرده‌باشد. موکلم معتاد نبوده و در سلامت کامل به سر می‌برد. زن ادامه داد: من نمی‌دانم شوهرم چگونه به این بیماری مبتلا شده است، فقط طلاق خود را می‌خواهم. تا دور از او زندگی کنم. من مدارک اثبات شده آزمایشگاه را دربراره ابتدای شوهرم به این بیماری دارم. وکیل مرد بیان کرد: من از طرف موکلم اختیار نام دارم تا با طلاق زن موافقت کنم، در حقیقت با وکالت موکلم می‌خواهم هم و هم همسرش را از این مشکل راه سالم‌ زن اضافه کرد: من طلاق می‌خواهم و مشکل خود را هم اضافه کرده‌ام. من نزدیک شدم و پدر دیگر او را ببینم؛ لطفاً با طلاق من موافقت کرده تا جناب به خطر نفتند. قاضی رسیدگی‌کننده به این پرورنده، به دلیل وجود وکالتنامه از سوی وکیل مرد و مدارک آزمایشگاه، حکم طلاق را توافقی صادر کرد.